



ویلیام میلر ( William Miller )

در این نوبت از معرفی مشاهیر تاریخ کلیسا به زندگی ویلیام میلر ( William Miller ) خواهیم پرداخت.

او متولد ۱۵ فوریه ۱۷۸۲ میلادی - و متوفی در ۲۰ دسامبر ۱۸۴۹ میلادی در آمریکا می‌باشد.

ویلیام میلر در ماساچوست ( Massachusetts ) متولد شد و والدینش زمانی که او ۴ ساله بود به لو همپتون ( Low Hampton )، نیویورک نقل مکان کردند. او تحصیلات ابتدایی را تا نه سالگی در خانه نزد مادرش و بعد در مدرسه محلی تازه تأسیس گذراند. او پس از ۱۸ سالگی به طور خودآموز به مطالعه ادامه داد و همچنین او به کتابخانه‌های خصوصی چند فرد برجسته دسترسی داشت.

در سال ۱۸۰۳ میلادی او ازدواج کرد و به پولتنی ( Poultney ) رفت. در آن جا به کشاورزی مشغول شد و مسؤولیتهای مدنی متعددی از جمله معاون کلانتر و داور مصالحه را بر عهده گرفت. او از نظر مالی وضعیتی خوبی داشت و صاحب خانه، زمین و دو اسب بود.

میلر در پولتنی از کلیسای باپتیست خود فاصله گرفت و به دئیسم ( Deism ) روی آورد. دئیسم که نامهای دیگر آن دادارباور و خدا انگار است یک نگرش فلسفی - مذهبی است که باور دارد خدایی وجود دارد که جهان را خلق کرده، اما پس از خلقت در امور آن دخالت نمی‌کند. در این دیدگاه، اتکاء بر هیچ دینی وجود ندارد و خدا صرفاً به عنوان آفریننده‌ای شناخته می‌شود که قوانین طبیعت را تعیین کرده و سپس جهان را به حال خود رها کرده است.

برخلاف ادیان دیگر که اعتقاد به نظارت مداوم خداوند بر جهان یا مداخله او در زندگی انسانها از طریق معجزه یا وحی وجود دارد در تفکر دئیسم چنین اموری وجود

ندارد. این تفکر بر عقل‌گرایی، قوانین طبیعی، و اخلاقیات مبتنی بر تجربه انسانی تأکید می‌کند. ریشه‌های این تفکر به یونان باستان باز می‌گردد که برخی فیلسوفان آن دوره معتقد بودند که خدا در امور انسانها دخالت نمی‌کند.

کلمنت اسکندریه (Clement of Alexandria) در قرن سوم میلادی نیز به افرادی اشاره کرده است که به دلیل اعتقاد به عدم مداخل الهی، به زعم او زندگی بی‌بند و باری داشتند.

میلر تحت تأثیر همنشینانش، به مطالعه آثار نویسندگان این نوع تفکر همچون ولتر (Voltaire)، دیوید هیوم (David Hume) و توماس پین (Thomas Paine) پرداخت. در سال ۱۸۱۲ میلادی با شروع جنگ بین آمریکا و بریتانیا او یک یگان محلی تشکیل داد و به ارتش منظم آمریکا پیوست. اولین تجربه میلر در میدان نبرد در نبرد پلاتسبورگ (Plattsburgh) بود، جایی که نیروهای آمریکایی با وجود تعداد کمتر توانستند بریتانیایی‌ها را شکست دهند. این نبرد به ویژه برای میلر بسیار خطرناک بود، زیرا قلعه‌ای که او در آن مستقر بود، زیر آتش مداوم بمبها، موشکها و گلوله‌های شلیک شده قرار داشت. او توصیف می‌کند که گلوله‌ها مثل تگرگ بر سرشان فرود می‌آمدند.

در یکی از این حملات، یک گلوله در فاصله دو قدمی او منفجر شد و سه سرباز را زخمی و یکی را کشت، اما میلر بدون هیچ آسیبی جان سالم به در برد. این پیروزی و زنده ماندن او در چنین شرایط خطرناکی، اعتقاد میلر به معجزه را تقویت کرد و او این اتفاق را فراتر از دخالت انسانی دانست. در حالی که میلر پیش‌تر به دئیسم معتقد بود - یعنی باور داشت که خدا جهان را آفریده اما در امور آن دخالتی ندارد - این تجربه دیدگاه او را تغییر داد. او نوشت: "به نظر می‌رسید که یک نیروی برتر، به طور ویژه‌ای حافظ منافع این کشور است و ما را از دست دشمنانمان نجات داده است ... چنین نتیجه شگفتی با وجود این همه مغایرت، به نظر من کار قدرتی فراتر از انسان بود."

پس از پایان جنگ در ۱۸۱۵ میلادی، او به لو همپتون بازگشت و مزرعه‌ای خرید ( که هم اکنون توسط باقی ادونتیست‌ها به عنوان بخش تاریخی حفظ شده است ). تجربه‌های جنگ و تأملات ناشی از تجربیات مرگ نزدیکان همچون مرگ پدر و خواهرش بر او تاثیر زیادی گذاشت. او بین دو احتمال درباره زندگی پس از مرگ مردد بود: نابودی کامل یا پاسخگویی برای اعمال.

اما هیچ یک از این گزینه‌ها برای او آرامش بخش نبود. این گونه طریق تفکر او نشان می‌دهد که او هیچگاه عیسی خداوند و طریق نجات او برای کفارۀ گناهان را تمیز نداد و حتی نمی‌دانست که دلیل خلقت جهان چیست و چنان چه نیز بخشی از این مطالب را در کتب و یا در کلیساها شنیده بود ولی به واقع به آن ایمان نیاورده بود.

میلر پس از بازگشت به لو همپتون، گامهای اولیه برای بازگشت به ایمان باپتیستی خود را برداشت. در ابتدا، او سعی کرد دئیسم را با حضور در کلیسای باپتیستی محلی ترکیب کند. این حضور از شرکت در جلسات آغاز شد، جایی که او گاهی به دلیل غیبت کشیش محلی، موعظه‌های روز را می‌خواند تا این که در یکی از این جلسات، در حین خواندن موعظه‌ای درباره وظایف والدین، به شدت احساساتی شد.

او تجربه خود را این گونه توصیف می‌کند: "ناگهان شخصیت نجات دهنده‌ای در ذهنم به وضوح شکل گرفت. به نظرم رسید که ممکن است موجودی آن قدر نیکو و مهربان باشد که شخصاً برای گناهان ما کفاره دهد و ما را از مجازات گناه نجات دهد. بلافاصله فهمیدم که چنین موجودی چقدر دوست داشتنی است و تصور کردم که می‌توانم خود را به آغوش او بسپارم و به رحمت او اعتماد کنم."

او بدون معلّم مسح شده کلام و دریافت راهنمایی مطالعه خود را از ابتدای کلام آغاز کرد هر چند جستجوی کلام برای همه ایمانداران نیکو است ولی میلر تا آن جا پیش

رفت که بر جایگاه تعلیم کلام نشست و این مطالعه منجر به نتیجه گیریهای اشتباه در آینده شد و همین اشتباهات او بیانگر لزوم مسح خاص برای دریافت تعلیم صحیح از کلام و فهم نبوتها است.

او به این باور رسید که بازگشت ثانویۀ مسیح در نبوتهای کتاب مقدس پیشبینی شده است. او بر اساس دانیال ۸ : ۱۴، که می‌گوید: «تا دو هزار و سیصد شام و صبح آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد» معتقد شد که تطهیر قدس به معنی پاک شدن زمین با آتش در زمان بازگشت ثانویۀ مسیح است.

میلر می‌نویسد: "به این نتیجه جدی رسیدم که حدود ۲۵ سال پس از آن زمان، یعنی از سال ۱۸۱۸ میلادی، تمام امور دنیای کنونی ما به پایان خواهد رسید."

اگر چه میلر در سال ۱۸۱۸ میلادی به درستی محاسبات خود اطمینان یافت، او تا سال ۱۸۲۳ میلادی به مطالعه خصوصی ادامه داد تا از صحت تفسیرش مطمئن شود. در سپتامبر ۱۸۲۲ میلادی، میلر نتایج خود را در یک سند ۲۰ بندی به طور رسمی بیان کرد. بند ۱۵ این‌گونه بود: "من باور دارم که بازگشت ثانویۀ عیسی مسیح نزدیک است، حتی بر آستانه در، و در طول ۲۱ سال آینده اتفاق خواهد افتاد - یعنی در سال ۱۸۴۳ میلادی یا قبل از آن." با این حال، میلر تا نخستین یکشنبه ماه اوت ۱۸۳۱ میلادی در شهر درسدن (Dresden) سخنرانی عمومی خود را آغاز نکرد.

در ۱۸۳۴ میلادی، به دلیل تعداد زیاد درخواستها و دعوتها برای سخنرانی، میلر خلاصه‌ای از تعالیمش را در کتابچه‌ای ۶۴ صفحه‌ای منتشر کرد که عنوان آن چنین بود: "شواهدی از کتاب مقدس و تاریخ درباره بازگشت دوم مسیح در حدود سال ۱۸۴۴ میلادی."

انقلاب فرانسه یکی از عوامل مهمی بود که سبب شد بسیاری از دانشجویان کتاب مقدس در سراسر جهان به بررسی پیش‌گوییهای زمانی دانیال بپردازند چون آنها نیز همچون میلر همان درگیرها را داشتند. آنها بر این باور بودند که پایان پیش‌گویی ۱۲۶۰ روز در دانیال ۷: ۲۵ در سال ۱۷۹۸ میلادی، آغازگر دوره‌ای به نام "پایان زمانها" است.

میلر بینش ۲۳۰۰ روزه را به پیشگویی هفتاد هفته دانیال باب ۹ ارتباط داد که در آن، تاریخی برای شروع مشخص شده است. او نتیجه‌گیری کرد که ۷۰ هفته (یا ۴۹۰ روز) نمایانگر اولین ۴۹۰ سال از مجموع ۲۳۰۰ سال است. این ۴۹۰ سال قرار بود با فرمانی برای بازسازی و احیای اورشلیم آغاز شود.

میلر تاریخ شروع پیش‌گویی ۷۰ هفته را فرمان اردشیر یکم در ۴۵۷ پیش از میلاد می‌داند همان طور که در کتاب عزرا چنین ثبت شده، آغاز هفتاد هفته نشان داده می‌شود. سلطنت پادشاهان از سال نو تا سال نو بر اساس "سال تصدی" شمرده می‌شد. سال نو ایرانی در نisan (مارس - آوریل) آغاز می‌شد. سال نو یهودی در تیشری (سپتامبر - اکتبر) آغاز می‌شد. پایان هفتاد هفته "شامل غسل تعمید عیسی در سال ۲۷ میلادی و مصلوب شدن او در سال ۳۱ میلادی بود. میلر سه نکته را بر اساس چهار فرمان درباره اورشلیم پس از اسارتش تعیین کرد:

- ✓ ۵۳۶ پیش از میلاد: فرمان کوروش برای بازسازی معبد.
- ✓ ۵۱۹ پیش از میلاد: فرمان داریوش یکم برای اتمام معبد.
- ✓ ۴۵۷ پیش از میلاد: فرمان اردشیر یکم.
- ✓ ۴۴۴ پیش از میلاد: فرمان اردشیر به نحμία برای تکمیل دیوار اورشلیم.

او معتقد بود که ۲۳۰۰ روز نمادین، نشان دهنده ۲۳۰۰ سال واقعی است همان طور که در حزقیال ۴: ۶ و اعداد ۱۴: ۳۴ مشهود است؛ و "قدس" به معنی زمین یا کلیسا

است. و همچنین با ارجاع به دوم پطرس ۳ : ۷ پایان این دوره با آتش‌سوزی زمین در ظهور ثانویه عیسی همراه است.

در نهایت او نتیجه‌گیری کرد که سال ۴۵۷ پیش از میلاد، آغاز پیشگویی ۲۳۰۰ روزه ( یا سال ) است. بنابراین، این پیشگویی حدود سالهای ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ به پایان می‌رسید ( ۴۵۷ قبل از میلاد + ۲۳۰۰ سال = ۱۸۴۳ میلادی ). و به ویژه این که او تاریخ بین ۲۱ مارس ۱۸۴۳ میلادی و ۲۱ مارس ۱۸۴۴ میلادی را به عنوان زمان بازگشت عیسی مسیح اعلام کرد. پس از عدم تحقق پیش‌بینیها، میلر به تاریخ جدیدی به نام ۱۸ آوریل ۱۸۴۴ میلادی نیز اشاره کرد که آن هم با عدم ظهور عیسی مسیح همراه بود.

در آگوست ۱۸۴۴ میلادی، ساموئل اس اسنو ( Samuel S. Snow ) در یک گردهمایی در نیوهمپشایر ( New Hampshire ) تفسیری جدید از پیشگویی ( که همچنان بر اساس پیشگویی ۲۳۰۰ روزه در کتاب دانیال ۸ : ۱۴ است ) ارائه کرد. او استدلال کرد که مسیح در دهمین روز از ماه هفتم سال ۱۸۴۴ میلادی باز خواهد گشت. اسنو برای محاسبه این تاریخ از تقویم یهودیان قرائیمی ( Karaite ) استفاده کرد و به نتیجه رسید که این روز با ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ میلادی مطابقت دارد. این پیام، که به "پیغام ماه هفتم" یا "فریاد نیمه شب واقعی" مشهور شد، خیلی سریع میان پیروان میلر گسترش یافت و امید تازه‌ای به آنها بخشید.

اما وقتی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ میلادی رسید و بازگشت مسیح اتفاق نیفتاد، بسیاری از پیروان دچار ناامیدی شدید شدند. این اتفاق به "ناامیدی بزرگ" معروف شد و باعث شد بسیاری از پیروان میلر ایمان خود را از دست بدهند یا به تفسیرهای جدیدتری از پیشگوییها روی آورند.

پیروان میلر با انتظارات نابود شده خود و همچنین انتقادات شدید و حتی خشونت از سوی مردم مواجه شدند. بسیاری از آنها به امید بازگشت مسیح داراییهای خود را واگذار کرده بودند.

در ۱۸ نوامبر ۱۸۴۴ میلادی، میلر در نامه‌ای به هایم ( Himes ) دربارهٔ تجربه‌هایش نوشت: "برخی با تمسخر می‌پرسند: آیا بالا نرفته‌اید؟" حتی کودکان در خیابانها به رهگذران مدام فریاد می‌زدند: 'بلیط برای بالا رفتن دارید؟' نشریات محبوب و معتبر به طرقي شرم‌آور 'ردای سفید مقدسین' ( اشاره به مکاشفه ۶ : ۱۱ )، 'بالا رفتن' و 'روز بزرگ سوختن'، را به سخره می‌گیرند. حتی منبرها نیز با تکرار شایعات نادرست در مورد 'ردای صعود' آلوده شده‌اند و کشیشان با استهزا و تحقیر از نفوذ و نوشته‌های خود برای پر کردن مجلات بدنام عصرشان استفاده می‌کنند."

مواردی از خشونت نیز رخ داد: یک کلیسای میلریتی در ایتاکا ( Ithaca )، نیویورک به آتش کشیده شد و دو کلیسای دیگر در دانسویل ( Dansville ) و اسکاتسویل ( Scottsville ) تخریب شدند. در لورین ( Loraine )، ایلینوی ( Illinois )، گروههایی به جماعت میلریتی حمله کردند.

طبیعتاً، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ میلادی برای میلر ناامیدی بزرگی بود. اما او فروتن ماند و به این باور داشت که نقشهٔ خدا شکست نخورده است. به احتمال زیاد این خطایی انسانی بوده است. در ۱ اوت ۱۸۴۵ میلادی، او سندی را منتشر کرد که به "پوزش‌نامه و دفاع ویلیام میلر" معروف شد. در این سند، او اعتراف کرد که در مورد زمان بازگشت مسیح اشتباه کرده است. اما میلر همچنین متحیر بودن خود را بیان کرد. چرا خدا پیش از ۲۲ اکتبر ظاهراً در زندگی مردم در طول جنبش میلریت به این وضوح عمل کرده بود؟ اگر تعیین زمان اشتباه بوده چرا آنها در انتظار بازگشت مسیح، آرامش و شادی را تجربه کردند؟



او همچنین به مرور استدلالهای خود پرداخت و گفت که جایی که محاسباتش اشتباه باشد را، پیدا نکرده است. او باور داشت که طبق هدایت خدا عمل کرده و کار درستی انجام داده است که باورهای خود را با دیگران به اشتراک گذاشته است: "بنابراین من همچنان احساس می‌کنم که وظیفه‌ام بود همه شواهدی را که به ذهنم می‌رسید ارائه دهم؛ و اگر اکنون در همان شرایط بودم، مجبور می‌شدم همان طور عمل کنم."

با این حال او برای باقی عمر خود درس بزرگی گرفت: این که تاریخ دقیقی برای بازگشت مسیح تعیین نکند. میلر دیگر هرگز درباره زمان دقیق بازگشت مسیح سخن نگفت، اما همچنان به آن روز امیدوار بود. او گروهی از ایمانداران را تشکیل داد و تا زمان مرگش در سال ۱۸۴۹ میلادی از رهبران جوان‌تر در جنبش حمایت کرد.

بسیاری از پیروان او پس از ناامیدی بزرگ، ایمان خود به خدا را از دست دادند. اما آنهایی که ماندند، به سه گروه اصلی تقسیم شدند:

۱. کسانی که باور داشتند تاریخ اشتباه بوده، اما بازگشت مسیح به زودی رخ خواهد داد که خود میلر در همین دسته بود.
۲. کسانی که باور داشتند مسیح به شکلی روحانی یا غیر فیزیکی آمده است.
۳. کسانی که باور داشتند تاریخ درست بوده، اما رویداد مورد انتظار به شکل دیگری رخ داده است.

در این زمینه باید گفت تفکر ادونتستیهای روز هفتم Seventh-Day Adventism به تشویق دختر نوجوانی به نام الن هارمون ( Ellen Harmon ) که بعداً مشهور به الن وایت ( Ellen White ) گشت، از همین عقیده ریشه گرفت که عیسی خداوند در آن تاریخ برای قضاوت تحقیقی به طور نامرئی بازگشته است و دیدگاه‌های فرقه ادونتیست از همین جا بنا شد.

دیوید کلود ( David Cloud ) ناشر مطالب مطالعاتی انجیل در صفحه Way of Life Literature با عنوان "هشدار در مورد ادونتیست‌های روز هفتم" به صراحت گوشزد می‌کند که بعد از شکست میلر چگونه دسته باقیمانده از فرقه میلیريت ( Millerite ) با همان افکار پیش رفتند: "ده‌ها هزار نفر از مردم از میلر پیروی کردند و در این فضای مذهبی هیجان زده، گروه‌های مختلفی پدید آمدند که همگی به بازگشت قریب‌الوقوع مسیح چشم دوخته بودند. پس از سال ۱۸۴۴ میلادی، میلر از تعیین تاریخهای جدید خودداری کرد و به اشتباه خود اعتراف کرد، اما برخی از پیروان او به تشکیل فرقه ادونتیست‌های روز هفتم ( SDA ) ادامه دادند.

جیمز وایت ( James White )، جوزف بیتس ( Joseph Bates ) و دیگران در سال ۱۸۴۴ میلادی شروع به رعایت روز سبت کردند و دیدگاه‌های خود را از طریق جزوه‌ها منتشر کردند. آنها همچنین از دیدگاه‌های یک دختر ۱۷ ساله به نام الن هارمون ( که همان الن وایت بود ) پیروی کردند. او ادعا می‌کرد که خدا به او نشان داده که در اکتبر ۱۸۴۴ میلادی، عیسی وارد قدس‌الاقداًس در آسمان شده تا "قضاوت تحقیقی" را آغاز کند. این دکترین پایه‌ای کلیسای ادونتیست است. الن تعلیم داد که عیسی شروع به بررسی سوابق هر شخص کرد تا مشخص کند چه کسی نجات خواهد یافت و چه کسی گم خواهد شد.

ناامیدی بزرگ نه تنها نشان دهنده عدم تحقق پیش‌بینیهای میلر بود، بلکه به ظهور تفاسیر جدیدی درباره آینده و بازگشت عیسی مسیح منجر شد. این رویداد به شکل‌گیری و ظهور جنبشهای دینی جدید، از جمله کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم، و سپس جنبش شاهدان یهوه انجامید. همچنین شکست این دسته‌ها نشانگر جستجوی مداوم انسانها برای فهم و تفسیر نشانه‌های زمان و آینده بود که البته این مسیر برای اکثریت موجب راه پیمودن در خطا شد.

## تحقیق، ترجمه و تألیف: زوفا رایان

شما می‌توانید جهت آشنایی بیشتر با مشاهیر تاریخ کلیسا، از وب سایت رسمی کلیسای خداوند عیسی مسیح به نشانی [www.persian-ljc.com](http://www.persian-ljc.com) دیدن فرمایید.

### منابع:

William Miller (preacher). (2024, November 3). In *Wikipedia*. Retrieved November 16, 2024, from

[https://en.wikipedia.org/wiki/William\\_Miller\\_\(preacher\)](https://en.wikipedia.org/wiki/William_Miller_(preacher))

Great Disappointment. (2024, November 7). In *Wikipedia*. Retrieved November 16, 2024, from

[https://en.wikipedia.org/wiki/Great\\_Disappointment](https://en.wikipedia.org/wiki/Great_Disappointment)

Cloud, D. (2010, May 26). A warning about Seventh-Day Adventism. *Way of Life Literature*. Retrieved November 16, 2024, from

[https://www.wayoflife.org/reports/a\\_warning\\_about\\_seventh\\_day\\_adventism.html](https://www.wayoflife.org/reports/a_warning_about_seventh_day_adventism.html)

Ask an Adventist Friend. (n.d.). William Miller: Reviving the hope of the second coming. *Ask an Adventist Friend*. Retrieved November 16, 2024, from

<https://www.askanadventistfriend.com/adventist-pioneers/history-of-the-adventist-church/founders/william-miller/>